



افترا به شیخ شهید

صفحه ۵

وطن امروز

در مسیر عاشقی

صفحه ۴



تیرتراهای امروز

از امروز افتخار آفرینان کشتی فرنگی برای بالابردن پرچم ایران وارد کتود می‌شوند

ایران حامی این ۶ نفر



صفحه ۶

گزارش معاون اطلاعات نیروی قدس درباره ترور شهید هنیه

نفوذ منتفی است

صفحه ۲

همزمان با سی‌وهفتمین سالگرد شهادت عباس بابایی مروری داشته‌ایم بر آثار هنری‌ای که درباره این شهید تولید شده است

پرواز تاب‌بی نهایت

صفحه ۸

خبر

یمن بازدهمین فروند شکارچی راهبردی آمریکایی را هم منهدم کرد

شکار یانکی‌ها



نیروهای مسلح یمن موفق شدند یازدهمین فروند از پهپاد راهبردی آمریکایی «ام کیو ۹» را شکار کنند. دبروز شبکه‌کلمسیر، ارگان اتصال‌الله یمن به نقل از رسانه‌های نظامی این کشور تصاویری از لاشه این پهپاد پیشرفته، بزرگ و گران‌قیمت آمریکایی را که در حریم هوایی صعدہ سرنگون شده، منتشر کرد.

بر اساس این گزارش، روز یکشنبه یک فروند جنرال امیکس «ام کیو ۹» ری ابر ملقب به «شکارچی» در حالی که در حال انجام عملیات خصمانه بر فراز حریم هوایی استان شمالی یمن بود، هدف قرار گرفته و پس از سرنگونی، لاشه‌اش در اختیار ارتش یمن قرار گرفت. به این ترتیب یمنی‌ها تعداد پهپادهای سرنگون‌شده از این مدل پرنده راهبردی جاسوسی و جنگنده را که جز پنتاگون فقط در اختیار نیروهای هوایی بریتانیا و ای‌تالیاست، به ۱۱ فروند رساندند؛ ارزش هر فروند از این پرنده‌های بدون سرنشین معادل یک فروند «ف ۳۵» با تجهیزات کامل یعنی ۱۵۰ میلیون دلار است.

بنا به گزارش المسیره، از ۱۱ فروند «ام کیو ۹» شکارچی آمریکایی که تاکنون توسط نیروهای مسلح یمن شکار شده، ۷ فروند آن مربوط به ۱۰ ماه اخیر یعنی پس از آغاز نبرد توفان الاقصی و در قالب کارزار فتح موعود و جهاد مقدس یمنی‌ها در حمایت از مردم فلسطین علیه جنایات اسرائیل در غزه بوده و ۴ فروند دیگر نیز پیش از سال ۲۰۲۳ در جریان تجاوز سعودی - آمریکایی به یمن سرنگون شده‌اند.

یک ماه پس از آغاز توفان الاقصی، ۸ نوامبر ۲۰۲۳ طی عملیاتی منحصربه‌فرد برای نخستین بار ارتش یمن یک هواگرد آمریکایی را در خارج از حریم هوایی سرزمین اصلی خود شکار کرد. هدف یک «ام کیو ۹» بود که بلافاصله لاشه‌اش به طور تقریباً سالم توسط یمنی‌ها ضبط شد. این نخستین مورد از ۷ مورد شکار اخیر این پهپاد پس از آغاز جنگ غزه بود.

۲۹ بهمن، دومین «ام کیو ۹» در حریم هوایی استان حدیده هدف قرار گرفت. سومین مورد ۲۶ آوریل (اردیبهشت‌ماه) بود که نیروی پدافند هوایی ابوالحسنی موفق شد یک فروند از این پهپاد را در حال انجام ماموریت خصمانه در حریم هوایی استان صعدہ سرنگون کند. موارد بعدی به ترتیب ۱۷ مه در حریم هوایی استان مارب، سپس ۴ روز بعد در حریم هوایی استان البیضا - که با یک موشک رونمایی شده ساخت داخل هدف قرار گرفت - و ۸ روز بعد در ۲۹ مه در آسمان استان مارب بود. رشد قابل توجه شکار این پهپادها توسط یگان‌های پدافندی ارتش یمن نشان‌دهنده تحولی کلیدی در توازن هوایی در منطقه...

ادامه در صفحه ۶

رئیس‌جمهور خطاب به وزیر خارجه اردن: ترور ناجوانمردانه اسماعیل هنیه در تهران

اشتباه بزرگ صهیونیست‌ها بود

بی‌پاسخ نمی‌ماند

«وطن امروز» گزارش می‌دهد: عدم روایت به موقع، منظم و روان از حادثه ترور اسماعیل هنیه چه تبعات اجتماعی‌ای در پی دارد؟

میدان روایت می‌خواهد

روایت‌ها تا جایی بر اذهان اثر می‌گذارد که حتی اگر در تهران موشک را بالای سر خود ببینند، پیگیر روایت ماجرا در رسانه‌ای چون بی‌بی‌سی هستند تا سازمان صداوسیما! این مساله به ظاهر کماهمیت (یعنی نسبیست پیشروی در میدان و پسروی در اذهان) یک نتیجه سرنوشت‌ساز در پی خواهد داشت: «اگر هم دشمن هیچ اقدام دیگری انجام نمی‌داد، به قبول قطعنامه می‌انجامید».

عملیات تروریستی چند روز پیش که توسط رژیم صهیونیستی در تهران انجام شد، از آن دست رویدادهایی است که سوالات بسیاری در ذهن جامعه خلق کرد و جامعه سرگردان و بایزمانده از پاسخ راهی شبکه‌های اجتماعی روایت‌سازی‌های دیگر رسانه‌ها کرده است. سوالات مرتبط با این موضوع نیز لزوماً و حتماً از جنس «خبر» نیست که گروهی عازم نشست‌ها شوند و پشت سر هم خبرهای جدید مخابره کنند خیر!

اینگونه نیست، جامعه پرسش‌های جدی دارد و از شما «روایت» می‌خواهد. اگر شما نتوانید در این انحصار تبلیغاتی دست به تولید روایت معناساز بزنید و «حقیقت» را افشا کنید، بدون شک دشمن این کار را خواهد کرد، با این تفاوت که او از «واقعیات» بهره می‌برد، لذا شما نخست مساله روایت را در پیش دارید و سپس باید بتوانید مبتنی بر حقایق کار تبلیغی خود را آغاز کنید و میدان تبلیغات را در دست بگیرید. «کار تبلیغ ما با جلوه‌گر ساختن حقایق به انجام می‌رسد و کار تبلیغ آنها با پوشاندن و کتمان حقایق؛ آنها می‌خواهند مخاطب خویش را بفریبند و مطلوب ما در کار تبلیغ این است که پرده‌های وهم و فریب را کنار بزنیم».

احتمالاً نخستین سؤالی که پس از شهادت اسماعیل هنیه در ذهن جامعه به وجود می‌آید این است: «این ترور با چه ابزاری، از چه طریقی و در جاکجا رخ داده است؟» پاسخ به این سؤال یک روایت بموقع، منظم و روان را طلب می‌کند که تا به امروز از شنیدن آن محروم بوده‌ایم. البته لزومی ندارد در

برای جامعه خواهد کرد. هر چند رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب تصویری از توطئه «محاصره تبلیغاتی» را پیش روی همگان قرار دادند و بر لزوم غلبه بر این توطئه «پاس آفرینی» دشمن تأکید کردند اما گویی این موضوع چندان جدی گرفته نشده است. البته همواره جنس رویدادها غافلگیر شدن نبوده و نیست، بلکه در رویدادهایی که ما نیز دشمن را توانسته‌ایم غافلگیر کنیم یا توطئه‌ای را خنثی کرده‌ایم، روایت چندان دقیقی وجود ندارد. شاید تأکید بر این نکته ضروری باشد که در شرایط سکوت مجموعه‌ها و سازمان‌های متصدی، قرار نیست جامعه نیز پذیرای این سکوت باشد و لزوماً با گزاره‌های القایی رسانه‌هایی که التزامی به قوانین جمهوری اسلامی ایران ندارند، مخالفت کند. جامعه پرسش‌هایی دارد که این پرسش‌ها را با پاسخ‌هایی که در رسانه‌ها تولید می‌شود، دریافت می‌کند.

البته این وضعیت ناپدید در ایران نیست اما گویی هیچ میلی نیز در بین مسؤولان برای حل و رفع آن وجود ندارد. چنانکه در کتاب «تماشاگاه راز» شهید مرتضی آوینی نقل شده است: «اواخر سال ۱۳۶۶ چنان سایه‌ای بر همه چیز سنگینی می‌کرد که ادامه همین وضع، اگر هم دشمن هیچ اقدام دیگری انجام نمی‌داد، به قبول قطعنامه می‌انجامید. جبهه‌ها خالی بوده با این همه تبلیغات رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها حکایت از آن داشت که یادگان‌ها دیگر جایی برای پذیرش داوطلبان جدید ندارد. در همان شرایط اگر تلویزیون حقایق را با مردم در میان می‌گذاشت، همه به جبهه هجوم می‌بردند اما تلویزیون خلاف این عمل می‌کرد. ما اجازه دادیم دشمن حربه صداقت را از کف ما بگیرد. درست در هنگامی که تهران و قم زیر باران موشک‌های اسکاد - بی‌قرار داشتند، اعتماد مردم جلب رادیوی بی‌بی‌سی شده بود». این مساله نشان می‌دهد حتی در حساس‌ترین برهه دفاع مقدس، ما روایت را به رسانه‌های بیگانه باخته بودیم. هر چند در میدان نبرد در حال پیشروی بودیم. این

گزارش

«با توجه به تحقیقات و بررسی‌های به عمل آمده، این عملیات تروریستی با شلیک پرتابه کوتاه‌برد با سرچنگی حدود ۷ کیلوگرمی، همراه با انفجار شدید، از خارج محدوده استقراری اقامت میهمانان صورت گرفته است.» این تقریباً همه آن جزئیاتی است که توسط سپاه پاسداران در یک بیانیه مختصر اعلام شده است. حالا بیش از ۹۶ ساعت از شهادت اسماعیل هنیه می‌گذرد و به جز جزئیات فوق که ۲ روز پیش اعلام شد، تقریباً هیچ جزئیات روشن‌گرانه بیشتری به دست رسانه‌ها نرسیده است. سردرگمی این روزهای رسانه‌ها را می‌توان به طور عیان دید. آنچه دیده می‌شود یا استناد رسانه‌های داخلی به رسانه‌های بیرون مرزی است یا مجموعه‌ای از تحلیل‌ها که بر لزوم عمل متقابل ایران تأکید دارد.

می‌توان لیستی از تحولات میدانی و رویدادهای سرنوشت‌ساز اعلام کرد که هیچ روایت رسمی یا جزئیات غیررسمی متقن از آن در اختیار نداریم. البته این عدم اطلاع نشان از بی‌خبری نیست، بلکه حاکی از شرایطی است که رسانه‌های ایرانی، روایت رویدادها و رخدادها را از رسانه‌های خارجی دریافت می‌کنند یا نهایتاً روایت‌های کذب را تکذیب می‌کنند. این مساله از آنجا مهم است که هر چند مسؤولان امر به این مساله اقرار دارند که ما در یک جنگ ترکیبی قرار گرفته‌ایم اما باید لوازم آن اجرا شود. تکثیر روایت‌های موجود در شرایطی که نوعی مرجعیت‌زدایی از رسانه‌ها رسمی رخ داده است، موجب می‌شود جامعه با انبوه اطلاعات غلط مواجه شده و تشویش، افکار عمومی را در بر گیرد. در دنیای شبکه‌های امروز که جامعه برای هر رویدادی یک «تحلیل سطحی و آتی» می‌سازد، شما فرصت چندانی برای دست‌گرفتن روایت جریان‌ساز نخواهید داشت، چرا که توسط دشمن در محاصره قرار گرفته‌اید و او با استفاده از موقعیت برتر خود در تکنیک و دسترسی به ابزار تکنولوژی، اقدام به تولید معنا

کرده است. این دست روایت‌ها آسیبی بزرگ دارند که نخست از رسانه‌های رسمی مرجعیت‌زدایی می‌کنند و سپس زمینه‌ساز ساخت روایت‌های غیرواقعی ولی مؤثر می‌شوند؛ کانال‌ها و صفحاتی که کوچک‌ترین صداها را به بمب تبدیل می‌کنند و بدون پذیرش هیچ‌گونه مسؤلیت آن را برای افکار عمومی منتشر می‌کنند. نمونه این وضعیت را سال ۱۴۰۱ پس از مرگ خانم مهسا امینی شاهد بودیم که روایت‌های غیررسمی و کذب چطور کشور را ادامه بر کشور تحمیل کرد. شاید این شبهه برای شما مسؤول محترم ایجاد شده باشد که پاسخ به سؤال‌های جامعه چه اهمیتی دارد! باید دانست اساساً معنای جنگ «شناختی» همین است. در صورتی که شما نتوانید برای پرسش‌های جامعه پاسخی در خور و بهنگام داشته باشید، دیگران علیه شما دست به تهاجم زده و با درگیر کردن «ذهن‌ها» اقدام به تولید معنا می‌کنند. معنای شکل‌گرفته در ذهن جامعه چنان قدرتی دارد که نتایج آن برای پرسش‌های جدید می‌سازد و ارزش‌های پیشین را دچار خدشه می‌کند. جابه‌جایی ارزش‌ها به‌راحتی می‌تواند ظرفیت‌های قدرت مستقر را تضعیف کند. برای درک این گزاره باید به‌خاطر داشت ضدقدرت را «ظرفیت کنشگران اجتماعی برای به چالش کشیدن قدرت جای گرفته در نهادها و جامعه» تعریف کرده‌اند و باید دانست «ساخت معنا در ذهن انسان، منبع قدرتی قطعی‌تر و پایدارتر است. این طرز تفکر مردم است که سرنوشت نهادها و نتایج ارزش‌ها و نتایج اجتماعی را تعیین می‌کند؛ آنگاه باید طرح پرسش کرد اگر اکثریت مردم به طریقی متضاد با ارزش‌ها و نتایج اجتماعی نهادینه شده در قواعد و قوانین وضع شده توسط دولت تفکر کنند، چه روی خواهد داد؟ شاید به همین دلیل است که مانوئل کاستلز در کتاب «شبکه‌های خشم و امید» می‌نویسد: «جنگ قدرت بنیادین عبارت است از نبرد برای ساخت معنا در ذهن مردم».

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲

در شبکه‌های اجتماعی
@vatanemrooz

پیامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۲۳۱